

متن پرسش

سلام: سالهاست از شما بعنوان معلم، بیانی از موضع انقلاب اسلامی در مورد ازدواج ندیدیم! اما حرف ها هست که باید گفت نه بعنوان فرد بلکه بعنوان روح اجتماع و سنت طبیعت که موضوع نظر ماست. سنت طبیعت می گوید حیوان یا نفس حیوانی انسان، زمانی که به بلوغ می رسد باید ازدواج کند؛ عقل بشری در کنارش تعبیرکی می کند تا به این سنت پایبند باشد چون می داند خلاف سنت های عالم عمل کردن نابودی است. حال بفرمایید با آمار حدود ۴۰ درصدی از جوانان که تا کنون ازدواج نکرده و از چهل سال عبور کرده اند چه باید کنیم؟ (آمار رسمی امسال). آیا تدابیر بشری باید حلش کند یا معجزه الهی؟! با این همه ما در شرایط انتقال تمدنی هستیم که امر ویژه ایست، سختی های خود را دارد. از جهتی فلسطین را می بینیم با این همه جنگ ازدواج صورت می گیرد. از طرفی در روز عاشورا حضرت قاسم علیه السلام ازدواج می کنند هرچند دلایل وجودی داشته باشد. از سوی دیگر داریم حضرت امیر علیه السلام پول می گذاشتند تا جوان ها ازدواج کنند. همین روزگار نیز داستان رهبر شهید را در کوهنوردی و برخورد با یک دختر پسر داریم که خطبه عقدشان را می خوانند. یک جوان امروز کیست-کجاست- به کجا می رود- اکنون چه کند؟ مورد توجه هست که برای یک پسر این موضوع بسی سخت تر است زیرا دختران محبت از خانواده و دوستان می بینند اما پسران هرگز. پسر کسی است که همه درد ها را به تنهایی می کشد- کسی او را دوست نمی دارد - در حالی که یک نفسی است با نیازهای عاطفی خود که هرگز رفع نمی شود. در آخر لعنت بر آخوند یا لیبرالیست یا دانشگاه - مشاور یا علی الخصوص خانواده هایی که این لعنت را بر جامعه خویش روا داشتند.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! مسئله، مسئله بسیار مهمی می باشد و بی حساب نیست که پیامبر خدا «صلوات الله علیه و اله» درست در شرایطی که جامعه جدید اسلامی در حال شکل گرفتن بود فرمودند: «أَنَّ الْمُؤْمِنَ كُفُوُ الْمُؤْمِنَةِ فَيَنْزَوِّجُ امْرَأَةً أَعْلَى مِنْهُ نَسَبًا وَ حَسَبًا» هر مرد مؤمنی کفو و مناسب زن مؤمن می باشد و آن ها را به ازدواج همدیگر در آورید. و این یعنی در ازدواج، مشغول حواشی نباشیم و معلوم است که یک دختر و پسر در ابتدای ازدواج تفاوت های فکری و فرهنگی و عادات های متفاوت دارند که به مرور با درک همدیگر از آن ها عبور خواهند کرد و نباید از ترس آنکه ممکن است این حواشی منجر به عدم سازش شود، از ازدواج آن ها جلوگیری کرد. باید سعی نمود آن حواشی را جدی نگرفت. زیرا اگر پیامبر خدا صلوات الله علیه و آله فرمودند: «النَّكَاحُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي» ازدواج،

سنت من است، هر کس از سنت من رویگردان شود از من نیست. به جهت آن است که انسان‌های مومن در ازدواج به صفا و صمیمیتی می‌رسند که خداوند در وصف آن فرمود: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَكِرُونَ» و از نشانه‌های [قدرت و ربوبیت] او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما صمیمیت و مهربانی قرار داد؛ یقیناً در این [کار شگفت‌انگیز] نشانه‌هایی است برای مردمی که می‌اندیشند.

با توجه به سخن پیامبر خدا صلوات الله علیه و آله و وعده‌ای که خداوند در راستای ازدواج به مومنین داد که آن صمیمیت و گشودگی خاصی است که تنها از طریق ازدواج برای مومنین پیش می‌آید. موفق باشید.